

بیگانگی اجتماعی قشر جوان
(مطالعه موردی جوانان شهر تهران)

دکتر منصور وثوقی^۱، محسن ساری^۲

چکیده

در پژوهش حاضر، سعی بر آن بوده است تا با روش پیمایش در سال ۱۳۸۶ علل بیگانگی اجتماعی را در دو سطح کلان و خرد تحت تاثیر دو دسته عوامل درون سیستمی و برون سیستمی مورد مطالعه قرار دهیم. نمونه مورد مطالعه ما ۳۹۱ نفر از جوانان شهر تهران بوده اند که پس از تکمیل پرسشنامه و استخراج داده ها نتایج زیر حاصل گردید:

اثبات وجود رابطه معنا دار بین متغیر عدالت اجتماعی و بیگانگی اجتماعی بدین معنا که هر چه عدالت اجتماعی افزایش یابد، از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می شود.

اثبات وجود رابطه معنا دار بین متغیر آگاهی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی بدین معنا که هر چه آگاهی اجتماعی کاهش یابد، بر میزان بیگانگی اجتماعی افزوده می شود.

اثبات وجود رابطه معنا دار بین متغیر رفتارهای ضد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی بدین معنا که هر چه رفتارهای ضد اجتماعی افزایش یابد، بر میزان بیگانگی اجتماعی نیز افزوده می گردد.

اثبات وجود رابطه معنا دار بین متغیر فعالیت در گروههای فرهنگی و اجتماعی و بیگانگی اجتماعی بدین معنا که هر چه فعالیت در گروههای فرهنگی و اجتماعی افزایش یابد، از میزان بیگانگی اجتماعی نیز کاسته می گردد.

واژگان کلیدی: بیگانگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، آزادی اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی، بی ملاحظاتی اجتماعی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۲۹

۱- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

بیگانگی [۱] از نظر لغوی به معنای جدائی یک چیز از چیز دیگر و دیگری شدن می‌باشد. بیگانگی که با اصطلاح "آلیناسیون" در کشور ما پذیرفته شده است جزو آن دسته از اصطلاحات علوم انسانی است که با توجه به تاویل پذیری و شمول معنایی وسیع آن، در حوزه‌های متنوعی، از فلسفه و اقتصاد و سیاست و روان‌شناسی و حقوق تا ادبیات و هنر، رایج است و فیلسوفان متفاوتی آن را به معانی و در جایگاه‌های متفاوتی به کار برده‌اند. هگل [۲] را شاید بتوان نخستین اندیشمندی به شمار آورد که بحثی فلسفی و گسترده در باب مفهوم بیگانگی پرداخته است. تحلیل هگل از بیگانگی جنبه‌ای سیستماتیک و درعین حال خصلتی ذهن‌گرایانه [۳] دارد. هایدگر به آن بار فلسفی می‌دهد و بیشتر در نوع "وضعیت" اجتماعی انسان معاصر به کارش می‌برد، در حالی که مارکس آن را بدوآناشی از شیوه تولید و ارتباط کارگر و مناسبات تولید وضعیت اقتصادی و روابط طبقاتی حاکم بر جوامع سرمایه‌داری تعریف می‌کند.

بیگانگی اجتماعی در یک مفهوم واحد به کار نرفته است و زمانی آن را با کلمه آنومی و آنومیا [۴] مترادف دانسته‌اند. زمانی از آن به عنوان یک حالتی فکری [۵] نام برده‌اند (مارکس و دورکیم). و گاه به عنوان یک مسئله غیر انتزاعی و عینی مطرح گردیده است (زیمل). زمانی آن را شکل ثابت وساکن واقعیت پنداشته و زمانی آن را با دیالکتیک آمیخته و وجه حرکتی بر آن قایل شده‌اند. گاه بیگانگی امری تحمیلی [۶] در نظر آمده و زمانی آن را امری انتخابی [۷] پنداشته‌اند. برخی آن را امری طبیعی، به هنجار، خلاق و سودمند در نظر گرفته‌اند (نیسبت [۸]، فیورلیچ [۹] و عده‌ای آن را پدیده‌ای با خصلتی مخرب و ضد اجتماعی به شمار آورده‌اند (دورکیم، روزاک). برخی آن را معلول عوامل بیرونی یا محصول واقعیات اجتماعی دانسته و برخی احساسات فرد نسبت به خود (فردینبرگ [۱۰]، گودمن [۱۱])، و گروهی آن را در سنجش احساسات افراد در قبال جامعه (مارکس، مرتن). مطرح کرده‌اند. گاهی آن را علت [۱۲] و زمانی آن را معلول [۱۳] پنداشته‌اند زمانی بر آن حالت کنشی و زمانی خصلت احساسی عاطفی و نگرش قایل شده‌اند. ماکس وبر [۱۴] به روابط و ضوابط قراردادی و نظم مفرط در اعمال انسانی، بوروکراسی و عقلانیت مفرط ناشی از آن تاکید کرده و این عوامل را از علل اساسی احساس بی‌قدرتی انسان می‌داند. فردیناند تونیس [۱۵] از تغییر در ارتباطات و روابط اجتماعی، غلبه اراده عقلانی بر اراده طبیعی، زوال ارزش‌های روحانی و معنوی و تعویض وضعیت روابط مبتنی بر تعاون و همکاری

جمعی با و وضعیت روابط مبتنی بر فردگرایی و عقلانیت در جامعه صنعتی نام می برد و آن را از عوامل در جدائی و انزوای انسانی در دنیای صنعتی می داند (تونس ۱۹۵۷۶، ص ۴۶). امیل دورکیم [۱۶] به انتقال جامعه از حالت انسجام مکانیکی به انسجام اورگانیکی اشاره دارد و اثرات آن را بصورت بروز بی هنجاری [۱۷] و اختلال و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزش های اجتماعی بررسی می کند (دورکیم، ۱۹۵۱، ص ۲۰۸). کارل مانهایم [۱۸] به اثرات صنعتی شدن، عقلانیت، بوروکراسی، تخصص و زنجیری که تمدن جدید بردست و پای بشر متمدن می بندت تاکید ورزید و این عوامل را در بروز احساس بی یابوری، ناتوانی و ناامیدی در انسان مدرن دخیل می داند (مانهایم، ۱۹۵۶، ص ۱۲۱). جورج زیمل [۱۹] زندگی در مادر شهر ها را که بر فرد رقابت، تقسیم کار، روتینه شدن روابط، تخصص، فردگرایی، قبول روح عینی و طرد روح ذهنی تاثیر می گذارد و او را به بیگانگی سوق می دهد عامل اصلی در سرگردانی انسان مدرن بشمار می آورد (زیمل، ۱۹۶۵، ص ۷۲). روبرت مرتن [۲۰] عدم ارتباط و تجانس معقول بین اهداف فرهنگی و وسائل نهادی شده جهت نیل بدان اهداف را از عوامل اصلی بی هنجاری و بیگانگی انسان می داند. سی رایت میلز [۲۱] به تضاد بارزینی آزادی و عقل از یکسو و اثرات تقسیم کار، بوروکراسی و عقل گرایی مفرط از سوی دیگر اشاره می کند و آن را در بروز بیگانگی انسان در دنیای صنعتی و فوق مدرن دخیل می داند (میلز، ۱۹۵۸، ص ۱۷۴). تالکوت پارسونز بیگانگی را در تئوری نظام اجتماعی در مقابل همنوایی به کار می گیرد و همچنین آن را در جذب شدگی در خرده نظامها یا خرده فرهنگهای کوچکتر یا عدم جذب شدگی توسط آنها در جامعه مورد استفاده قرار می دهد (به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰، ص ۳۸). و از نظرل. سباگ از خودبی خود شدن عبارت از تضاد بین آرمان های جامعهی از یک سو و واقعیت های جامعه از سوی دیگر است (شیخاوندی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲). روان شناسان از سوی دیگر بیگانگی را در سطح فردی مطالعه می کنند و عمدتاً متوجه آنومی روانی [۲۲] هستند. در آنومی روانی معمولاً احساسات فرد قبال خودسنجیده میشود. از این رواز خود بیگانگی [۲۳] و عوامل بیگانه زا موضوع بحث روان شناسان است. آنان با فرض عللی روان شناختی بر بیگانگی و روابط آن به شخصیت، مزاج یا نیروهای سرکشی درونی، سرکوبی های روانی و سرکوب های غرایز درونی انسان توسط جامعه را مطرح ساخته به چگونگی پرورش و رشد شخصیت عامل رفتار، گرایش ها و خلیقات پدر و مادر، چگونگی اجتماعی شدن انگیزه، سرخوردگیهای دوران کودکی، تجارب نخستین ایام

طفولیت، زمینه‌های طبقاتی و چگونگی بازیابی و کنترل اجتماعی در تبیین بیگانگی روانی توجه می‌کنند (به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰، ص ۳۴). ریزمن [۲۴] الگوهای اجتماعی کننده جامعه را مسئول از خود بیگانگی فرد می‌داند بنظر وی الگوهای اجتماعی کننده جامعه مدرن بگونه ایست که فرد را بیش از آنکه متوجه خود کند تحت ارشادات دیگران درمی‌آورد. یعنی به فردهمواره توصیه می‌شود که جهت رفتار و کرداری معقول و مطلوب به دیگران بنگرد، در چنین شرایطی است که فرد ارتباط بنیادی را با خویشتن خود گم کرده و دچار نوعی "بحران هویت" [۲۵] می‌گردد (ریزمن، ۱۹۵۰، ص ۱۰۱).

اریکسون [۲۶]، گودمن [۲۷] و فردینبرگ [۲۸] نیز به چنین بحران هویت اشاره کرده اند بنظر این روانشناسان فرد از یکسو از طریق سیستم فرهنگی مفهوم و ارزش استقلال و اراده [۲۹] را فرا می‌گیرد و از سوی دیگر بمحض ابراز کوچکترین تکروی و استقلال رای و رفتار توییح و تنبیه می‌گردد. از طرفی فرد خصوصاً در دوران جامعه پذیری [۳۰] با انواع و اقسام تقاضاها و خواسته‌ها از سوی دیگران (جامعه، خانواده، مدرسه، همسالان و...) روبروست. این تقاضاها از هرسو بر او می‌بارند. او می‌باید با این تقاضاها متعدد برخوردی معقول و پسندیده داشته باشد. یعنی بخود بقبولاند که تامین و برآوردن تقاضای دیگران و اجابت انتظارات آنان اولین کامیابی در زندگی اجتماعی است. از طرفی فرد می‌باید اهدافی را که دیگران براو مقرر کرده اند و راه‌هایی را که دیگران فراروی او درنیل به این اهداف تعیین نموده اند با جان و دل پذیرا باشد. در چنین وضعیتی فرد دیگر خود نیست، چه او فرصت و امکانات قلیلی جهت شناخت و توسعه هویت خود دارد. در حوزه روانکاوی نیز بیگانگی بعنوان گونه‌ای بیماری و مرض روانی در نظر گرفته شده است که از اختلالات و نابسامانیها در یکی از لایه‌های سه‌گانه شخصیت فرد [۳۱] ویا روابط آن‌ها با یکدیگر پدید می‌آید.

بررسی تعاریف مذکور نشان می‌دهد که بیگانگی اجتماعی امری تحمیلی می‌باشد و تحقیق حاضر، بیگانگی اجتماعی را به معنای فقدان یا ضعف ارتباطات فرد با سایر افراد، گروه‌ها و جامعه در نظر گرفته است.

مدل تحقیق

مفهوم مدل مانند نظریه، معانی و کاربردهای گوناگون در متن و زمینه خلق معرفت جدید و درک زندگی اجتماعی دارد. ظاهراً استفاده از مدل در یک پژوهش موجب این گمان می شود که بر غنا و مشروعیت پژوهش افزوده شده است.

در علوم اجتماعی از مدل ها به شیوه های گوناگون استفاده شده است. مدل ها می توانند نمایانگر مکانیسم یا ساختار تبیینی فرضیه واری باشند که شاید با استفاده از تشبیه و تمثیل به دست آیند، یا می توانند روشی برای سازماندهی نتایج و پژوهش و ارائه آنها باشند.

با توجه به آنکه متغیر وابسته بیگانگی اجتماعی می تواند متغیرهای مستقل فراوانی دارا می باشد، در مدل مذکور به ارائه هشت متغیر مستقل دو متغیر کنترل و هفت اثر از اثرات بیگانگی اجتماعی بسنده نمودیم که به شرح زیر می باشند:

- پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده این متغیر در سطوح اسمی و ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.

- پابندی کنشگر به ارزش های هنجاری این متغیر در سطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.
- پابندی کنشگر به ارزش های مذهبی این متغیر در سطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.
- فعالیت در گرو ههای فرهنگی و اجتماعی این متغیر در سطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.

- عدالت اجتماعی این متغیر در سطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.

- آگاهی اجتماعی این متغیر در سطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.

- آزادی اجتماعی این متغیر در سطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته اند.

- دسترسی به وسایل و ابزار انتقال نظام ارزشهای بیگانه این متغیر در سطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.

دو متغیر رفتارهای ضد اجتماعی و پابندی والدین به شعائر دینی را به عنوان متغیرهای کنترل در مدل مذکور ارائه نمودیم.

- پابندی والدین به شعائر دینی این متغیر در سطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.

رفتارهای ضد اجتماعی این متغیر در سطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.

اما در مدل فوق اثرات هفتگانه بیگانگی اجتماعی را به شرح ذیل ارائه نمودیم

- ۱- بی قدرتی این متغیر درسطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.
 - ۲- بی معنایی این متغیر درسطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.
 - ۳- بی هنجاری این متغیر درسطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.
 - ۴- انزوای اجتماعی این متغیر درسطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.
 - ۵- از خود بیزاری این متغیر درسطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.
 - ۶- بی ملاحظاتی اجتماعی این متغیر درسطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.
 - ۷- احساس بی هویتی این متغیر درسطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.
- اما متغیر وابسته بیگانگی اجتماعی درسطوح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته شد.

فرضیه های تحقیق

فرضیه های این تحقیق به دو بخش فرضیه های کلان و فرضیه های خرد تقسیم می گردد، بشرح زیر:

الف-فرضیه های کلان:

- میان بی عدالتی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان آگاهی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان رفتارهای ضد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان آزادی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان بی هنجاری اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان بی قدرتی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.

ب-فرضیه های خرد:

- میان پایبندی کنشگر به ارزشهای مذهبی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان پایبندی کنشگر به ارزشهای هنجاری و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان دسترسی فرد به وسایل و ابزار انتقال نظام ارزشهای بیگانه و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان پایبندی والدین به شعائر دینی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان انزوای اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان میزان فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.

- میان بی معنائی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان بی هویتی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان بی ملاحظاتی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.
- میان از خود بیزاری و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار وجود دارد.

تعاریف مفاهیم

احساس بی قدرتی[۳۲]: عبارت است احتمال و یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی تاثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او به تحقق و تعین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که براساس آن کنش او تجهیز گردیده رهنمون نیست. "سیمن" معتقد است که این مفهوم از بیگانگی بیش از صور دیگر آن در ادبیات معاصر کاربرد دارد.

احساس بی معنائی یا احساس بی محتوایی[۳۳]: این شکل از بیگانگی بنظر سیمن زمانی مشهود است که فرد در باور و عقیده دچار ابهام و تردید و شک است. یعنی نمی توان که به چه اعتقاد داشته باشد. در تصمیم گیری ها عقیده خود را با استانداردهای موجود در جامعه خویش نمی توان تطبیق دهد. به عبارتی وی در تخمین و پیش بینی بالنسبه دقیق رفتار دیگران و نیز برآورد عواقب و نتایج رفتار خود با دشواری روبروست.

بی هنجاری یا احساس نابهنجاری[۳۴]: به عقیده سیمن احساس بی هنجاری چون احساس بی قدرتی و بی معنائی وضعیتی فکری و ذهنی[۳۵] است که در آن فرد احتمال را بحد مفرطی بر خود مفروض و متصور می دارد که تنهاکنش هائی فرد را به حوزه های هدف نزدیک می سازد که موردتائید جامعه نیستند.

احساس انزوای اجتماعی[۳۶]: واقعیتی فکری است که در آن فرد عدم تعلق و وابستگی و انفصال تامه ای را با ارزش های مرسوم جامعه احساس می کند. در اینحالت فرد همچنین دارای اعتقاد و باور نازلی نسبت به مکانیسم ارزش گذاری و سیستم پاداش اجتماعی است و با هر آنچه که از نظر جامعه معتبر و ارزشمند است خود را هم عقیده و همسو نمی بیند. احساس انزوای اجتماعی معهدا از نظر سیمن به مفهوم فقدان سازگاری فرد با زمینه اجتماعی خویش نبود بلکه مین انفکاک فکری فرد از استانداردهای فرهنگی است.

احساس تنفر یا تنفراز خویش[۳۷]: سیمین میزان و درجه هر رفتار را براساس پاداش‌های مورد انتظار آتی می‌بیند و چون مارکس معتقد است پاداش منحصر در خود عمل نهفته نیست بلکه نسبت به کار امری خارجی[۳۸] است.

بنظر سیمین در دنیای صنعتی انسان در بسیاری از حرف و مشاغل در روابط تولیدی خاصی واقع می‌شود که در آن کاروتولید فرد را دیگر به هدف و تعالی مورد انتظار رهنمون نیست. او کار می‌کند بدون آنکه به ارزش واقعی کار خود واقف باشد و از نتایج کار خویش محفوظ و متمتع گردد. نتیجه زوال و از دست رفتن مفهوم واقعی کار و آغاز نفی خود وتولید است. در چنین وضعیتی فرد شانس و فرصت لازم را جهت خلق و تولید محصولی که او را راضی و خرسند سازد نیست و نوعی احساس انزجار از روابط اجتماعی تولد گرفتار است (سیمین، ۱۹۵۹، ص ۷۸۶).

عدالت اجتماعی: یکی از مفاهیم نزدیک به مفهوم عدالت بطور کلی است. «عدالت اجتماعی» با توجه به منزلت برابر انسانها، خواهان شرایط زندگی انسانی برای همگان، ایجاد شانس برابر و برآوردن عادلانه نیازهای انسانی است. ایجاد شانس برابر، به معنای رفع هرگونه تبعیض میان انسانها به دلیل تعلق آنان به جنس، طبقه، نژاد، اعتقادات مذهبی وایدئولوژیک خاص است. از حقوقی که می‌توانند «عدالت اجتماعی» را به مثابه ایجاد شانس برابر تضمین کنند، می‌توان از حق اشتغال، حق تحصیل، حق مشارکت در حیات فرهنگی، حق برخورداری از شرایط کار انسانی، حق برخورداری از دستاوردهای پیشرفت علمی و حق محافظت از کودکان و نوجوانان نام برد.

آزادی اجتماعی: استقلال و رهایی فرد از جلوگیری و ممانعت‌های است که به وسیله دیگر افراد، گروه‌ها، حکومت، جامعه و یا اوضاع محدود کننده وضع می‌شود (کلایمرودی، ۱۳۵۶، ص ۱۱۹).

آگاهی اجتماعی: ارتقاء سطح شعور اجتماعی افراد در جامعه جهت مشارکت موثر در فعالیتهای اجتماعی.

رفتارهای ضد اجتماعی: رفتارهای که ظرفیت فرد را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضوجامعه دچار نقصان می‌کند و باعث می‌شود هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست بدهد.

پایگاه اجتماعی: عبارت است از مرتبه برخورداری خانواده فرد از منابع ارزشمند در جامعه.

- بی ملاحظاتی اجتماعی: رفتارهای که نشان می دهد فرد در جامعه فقط به فکر منافع شخصی خود می باشد و نسبت به دیگران هیچ گونه تعهدی را احساس نمی کند.

چهارچوب تئوری تحقیق

چهارچوب تئوری این پژوهش مبتنی بر نظریه نظم اجتماعی است نظریه نظم اجتماعی که آمیخته ای است از نظریه اثباتی کنت، نظریه ارگانی اسپنسر و داروین، نظریه درون فهمی وبر، نظریه آنومی دورکیم و نظریه فونکسیونالی پارسنز، جامعه را دستگاهی متشکل از اجزای هماهنگ با ارزش های هم رنگ می بیند که لاینقطع محدود خود را حفظ و نگهداری کرده و در وفاق و تعادل و توازن مداوم زندگی می کند. جامعه همچون موجودی جاندار از اجزای خود ممتاز و برتر است. جامعه ضمن اعمال اقتدار آمرانه ای بر فرد بیرون از او جا دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰، ص ۴۳).

هر گونه تزلزل در سلطه جامعه و اقتدار آمرانه آن سبب سرگشتگی و تباهی انسان می گردد چرا که قواعد رفتار جمعی و ارزشهای فرهنگی رهنمون وی در زندگی اجتماعی اند.

مصلحت انسان در آن است که با سنت ها و نظام اجتماعی در نستیزد و سنتها و نهادها و ارزشها و قواعد جامعه را ارج گذارد و در نگاهداشت آنها بکوشد. زیرا نظام اجتماعی در سنتها ریشه دارد و بخاطر ضرورتها و نیازها پیدایش یافته و نهاده شده است، تنها کاری که انسان می تواند انجام دهد شناخت وضع موجود با روشهای تجربی برای ترمیم نابسامانیهای آن به منظور همسازی با شرایط محیطی و نیازهای تازه است، تا تعادل و توازن مداوم پدید آید. از این رو نظریه نظم اجتماعی ثبات و قوام دستگاه جامعه و نظم و تعادل اجتماعی را ترکیبی از اصالت انسان و خرد بشری با اصالت سنت ها می داند که در حفظ وضع موجود نمایان می شود. بدینگونه نظریه نظم اجتماعی عقل و خرد بشری را برای تفهیم نظم دستوری و قوانین حاکم بر نظم اجتماعی بکار می گیرد و مفهوم اساسی برای آن نظام اجتماعی و از هم گسیختگی نظم آن است که در نزد نظریه پردازانی چون دورکیم بی هنجاری یا آنومی [۳۹] خوانده می شود ارزشهای فرهنگی و رفتارهای که نظام اجتماعی آنها را پذیرفته و برنگهداری آنها تاکید دارد سنجه تعریف و میزان و تعیین سلامتی و بیماری اجتماعی است. از اینرو ماهیت مسایل اجتماعی [۴۰] در این نظریه بی هنجاری در نظر می آید. بی هنجاری به مفهوم پریشانی و سرگشتی آدمی است در برابر قوانین، قواعد و هنجارهای اجتماعی. بدین معنی که هنجارهای اجتماعی اقتدار آمرانه و جنبه مطلوب خود را بر فرد از دست داده و مدیریت اخلاقی لازمه را بروی نمی توانند اعمال کنند. نتیجتاً فرد نمی تواند جهت رفتار

خویش را تعیین کند. بی‌هنجاری همچنین وضعیت اجتماعی ویژه‌ای است که در آن هنجارها و معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شوند و یا آنکه با یکدیگر ناهم‌ساز باشند و فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سردرگمی و سرگشتگی شود نتیجتاً فرد آدمی در وضعیتی قرار می‌گیرد که بدون خویشتن خود پناه برد و بدینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی کند. از این رو در نظریه نظم اجتماعی کلیه اختلالات، نابسامانیها، کز رفتارها و آسیبهای اجتماعی پی آمد بی‌هنجاری، بیگانگی و بازبینی و نظارت ناکافی است (محسنی تبریزی، ۴۴، ص ۱۳۷۰). یکی از مسائل اساسی جامعه‌شناسی دورکیم آنومی اجتماعی است. از نظر او آنومی اجتماعی از عوارض عمده مرحله گذر است. جامعه‌شناسی دورکیم عمدتاً روی ساختار هنجاری جامعه متمرکز است. زمانی که دورکیم صحبت از پدیده اجتماعی، نیروی اجتماعی یا واقعیت اجتماعی می‌کند، غالباً منظور او متوجه واقعیت اجتماعی ساختار هنجار جامعه است. دورکیم سه مفهوم "پدیده اجتماعی"، "واقعیت اجتماعی" و "نیروی اجتماعی" را به جای یکدیگر و مترادف باهم به کار می‌گیرد (لوکاس ۱۹۷۷). دورکیم برای این سه مفهوم مترادف، سه ملاک پیشنهاد می‌نماید: ملاک اجبار [۴۱]، ملاک خارجی بودن [۴۲]، و ملاک عمومیت [۴۳].

جدول شماره (۱) ملاک‌ها و شاخص‌های نیروی هنجاری

میزان احساس تعهد			نیروهای هنجاری (واقعیت اجتماعی).
	میزان تراکم اجتماعی (میزان تراکم اخلاقی).	- اجبار (فشار ناشی از تعهد).	
میزان علقه اجتماعی			
	تعداد افرادی که دارای احساس تعهد مشترک هستند (حجم اجتماعی).	عمومیت	
	- تقدم زمانی نسبت به فرد معین		
	- انتقال پذیری فرهنگی به فرد معین	- خارجی بودن	
	- احساس ترس از جانب عضو فاقد حس تعهد		

یکی از انواع عمده اختلال اجتماعی [۴۴]، اختلال هنجاری [۴۵] است. منظور از اختلال هنجاری تقریباً همان چیزی است که دورکیم آن را آنومی اجتماعی [۴۶] می‌نامند. یکی از مسائل اساسی جامعه‌شناسی دورکیم آنومی اجتماعی است. و در مباحث بالا به آن پرداختیم اختلال هنجاری می‌تواند پنج شکل مختلف به خود بگیرد:

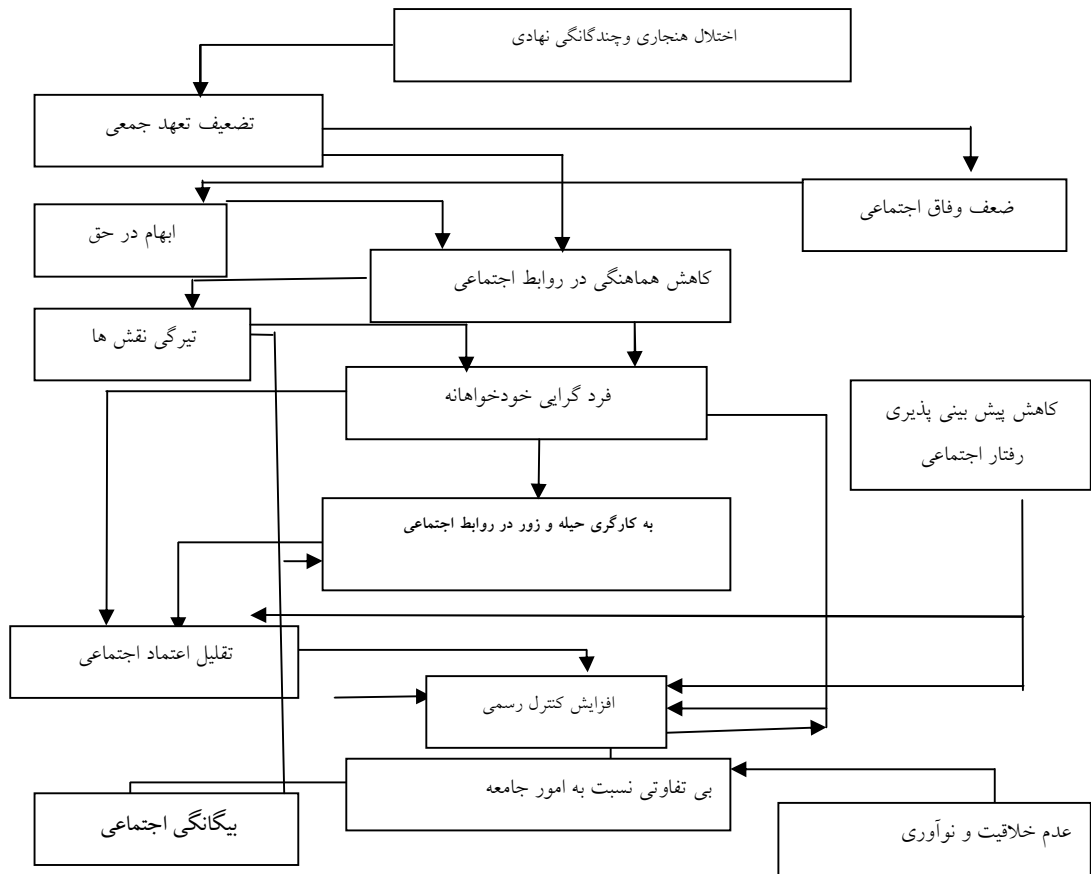
۱- قطبی شدن هنجاری. ۲- تضاد هنجاری. ۳- ناپایداری هنجاری یا تناقض منطقی هنجاری،

۴- ضعف هنجاری (رکود در علائق اجتماعی و تعهد نسبت به قواعد اجتماعی).

۵- بی هنجاری یا فقدان قواعد هنجاری برای بعضی امور اجتماعی است.

بدیهی است هر پنج شکل اختلال هنجاری می توانند همزمان در یک جامعه باشند و یکدیگر را تقویت نمایند. بحث و بررسی اجمالی پیرامون هر یک از اشکال پنجگانه اختلال هنجاری در پی می آید.

مدل شماره (۱) اختلال هنجاری



*منبع مدل: چلبی، جامعه شناسی نظم، ۱۳۸۲

روش تحقیق

جامعه آماری

جامعه آماری یا جمعیت مورد تحقیق این پیمایش جوانان رده سنی ۱۸ الی ۳۰ سال مناطق (۱-۲-۵-۱۰-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۲ شهر تهران). در سال ۳۸۶ بوده است.

واحد تحلیل

واحد تحلیل، یعنی واحدی که اطلاعات از آن گردآوری می شود (دواس، ۱۳۷۶، ص ۴۱). در این پیمایش فرد است و یافته های تحقیق بر داده های گردآوری شده از افرادی استوار است که بانمونه گیری احتمالی انتخاب شده و معرف جامعه آماری تحقیق اند.

روش نمونه گیری

واقعیت آن است که انتخاب نمونه ای تصادفی و معرف از ساکن در تهران، برای تحقق ضوابط علمی در طرح حاضر ضرورت دارد. البته تصادفی بودن نمونه از فرض هایی است که برای بکار گیری تکنیک های آماری و استنباط پارامترهای جامعه (در هر تحقیق). ضرورت دارد. نهایتاً با در نظر گرفتن الزامات علمی و محدودیت های موجود جامعه آماری را به صورت زیر محدود می کنیم:
افراد رده سنی بین ۱۸ الی ۳۰ سال ساکن در شهر تهران (مناطق ۱-۲-۱۰-۵-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۲). جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می دهند، براساس آمار موجود حجم جامعه آماری شهر تهران به شرح ذیل می باشد:

جدول شماره (۲) مربوط به سن

ردیف	سن	فراوانی مقادیر
۱	۱۸-۱۹	۲۵۹,۲۶۷
۲	۲۰-۲۹	۱,۲۲۲,۰۷۷
۳	۳۰-۳۹	۱,۰۴۸,۶۱۴
جمع کل		۲,۵۲۹,۹۵۸

(مرکز آمار ایران، سال ۱۳۷۸).

قاعدتاً باید از جامعه نمونه ای تصادفی انتخاب کنیم بر این اساس به نظر می رسد با توجه به اصول نمونه گیری تصادفی؛ نمونه گیری که بر مبنای اصول زیر صورت گیرد هدف مذکور را محقق می گرداند.

- توزیع نمونه (به صورت متناسب با جمعیت هر کدام از مناطق). در مناطق ۲۲ گانه تهران.
- تفکیک هر کدام از مناطق به نواحی شهرداری و توزیع نمونه به صورت مساوی در هر کدام از نواحی.

- تفکیک هر کدام از نواحی به بلوک.
 - انتخاب تصادفی بلوک در هر ناحیه.
 - انتخاب تصادفی یک کوچه در هر کدام از بلوک های انتخابی.
- لازم به ذکر است یکی دیگر از دیگر مکانهایی که نمونه ها انتخاب شدند مراکز عمومی (پارکها، فرهنگسراها، سینماها) بوده است.
- حال با تعیین حجم نمونه (بوسیله فرمول کوکران که ۳۹۱ نفر به دست آمد)، روش نمونه گیری این تحقیق را به بیان می نمایم
- ۱- نمونه ها را پس از تقسیم شهر به چهار ناحیه شمال- جنوب- شرق- غرب به صورت زیر در هر کدام از مناطق توزیع کردیم.
 - ۲- طبق تقسیمات شهری شهر تهران به ۸۸ ناحیه تقسیم شده .
 - ۳- با توجه به بند یک و دو نمونه گیری و تقسیم نمونه ها در هر منطقه به شرح زیر می باشد :

جدول شماره (۳) توزیع فراوانی تعداد نمونه های هر منطقه

مناطق	۱	۲	۵	۱۰	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۲
تعداد نمونه در هر منطقه	۳۵	۲۲	۴۸	۱۹	۱۸	۶۵	۵۴	۲۳	۴۴	۳۲	۳۱

روش و ابزار جمع آوری اطلاعات

تحقیق حاضر از دو بخش نظری و میدانی تشکیل شده است. اطلاعات بخش نظری به روش اسنادی و با مراجعه به منابع اصلی تهیه شده است. اطلاعات بخش میدانی نیز از جامعه آماری مورد تحقیق جمع آوری شده است. برای جمع آوری اطلاعات در بخش میدانی و یا عبارتی برای ساختن ابزاری که بتواند اطلاعاتی را که شاخصهای فرضیه تحقیق، تجویز کرده اند مورد سنجش قرار دهد، غالباً از ابزارهای پرسشنامه یا مصاحبه و یا هر دو آنها استفاده می شود. در این تحقیق نیز با توجه به حساسیت موضوع، خصوصاً انجام تحقیقات میدانی در ایران و برای بالا بردن دقت کار و بدست آوردن نتایج عینی تر مطابق با واقع، از ابزار پرسشنامه ی توأم با مصاحبه، به شیوه ی همدلانه که یکی از موفقترین شیوه های انجام تحقیقات اجتماعی در ایران است، استفاده شده

است. از جمله مسایل مهم که رعایت آنها در انجام تحقیقات به شیوه همدلانه ضروری است، هم‌رنگی و مشابهت پرسشگر با پاسخگو است، تا اعتماد پاسخگو جلب شود و پاسخهای واقعی تر را به پرسشگر بدهد. در این تحقیق نیز به چنین شرایطی توجه شده است یعنی برای تکمیل پرسشنامه در بین دختران، از پرسشگر دختر و در بین پسران از پرسشگر پسر استفاده شده است. همچنین برای تکمیل پرسشنامه در بین افرادی که متظاهر به الگوهای غربی رپ و هوی متال بودند، هم از پرسشگرانی که خودشان دارای ویژگیهای رپ و هوی متال بودند استفاده شده است، روش جمع‌آوری اطلاعات بدینگونه بوده است که قبل از تکمیل پرسشنامه، با صحبت و درد دل راجع به مشکلات جوانان و هدف تحقیق مزبور، اعتماد افراد، جلب و سپس پرسشنامه‌ها با نظارت پرسشگر تکمیل می‌شد. البته درباره سؤالات خصوصی، پاسخگویان آزاد گذاشته می‌شدند تا با اطمینان خاطر به سؤالات پاسخ دهند.

نتایج آزمون فرضیه‌ها پژوهش

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر است:

- تایید این فرضیه که میان بی‌عدالت اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد به اثبات رسید و بین متغیر وابسته بیگانگی اجتماعی و متغیر مستقل بی‌عدالت اجتماعی رابطه مستقیم برقرار است به عبارت دیگر هر چه بی‌عدالت اجتماعی بالا رود میزان بیگانگی اجتماعی هم افزون می‌شود و بالعکس (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با $+0.448$ و (Sig2-tailed). برابر صفر بوده است).

- هم‌چنین میان عدم آگاهی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار دیده شد به این صورت که این دو متغیر یک رابطه مستقیم با هم دارند و هر چه آگاهی اجتماعی بالا می‌رود از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می‌شود (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با $+0.389$ و (Sig2-tailed). برابر صفر بوده است).

- تایید این فرضیه که میان رفتارهای ضد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار دیده وجود دارد بدین معنا که هرچه در جامعه بر رفتارهای ضد اجتماعی افزوده گردد، میزان بیگانگی اجتماعی هم افزایش می‌یابد (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با $+0.377$ و (Sig2-tailed). برابر صفر بوده است).

در تحلیل این پدیده شایان ذکر است که رفتارهای ضد اجتماعی از قبیل حفظ منافع شخصی و عدم توجه به منافع جامعه، اعمال نفوذ در جهت منافع خود و اطرافیان، عدم پابندی به اصول اخلاقی و..... موجبات بدبینی، یاس و بی تفاوتی جوانان را نسبت به خود و آینده خود موجب شده و بیگانگی اجتماعی را در بین آنان افزایش می دهد.

- میان بی قدرتی [۴۷] و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار دیده شد به این صورت که این دو متغیر یک رابطه مستقیم با هم دارند بصورتی که با بالا رفتن میزان بیگانگی اجتماعی، احساس بی قدرتی هم افزایش می یابد (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با $+0.330$ و (Sig2-tailed). برابر صفر بوده است). در واقع احساس بی قدرتی بدین معنا است که فرد بدین باور می رسد که فعالیتهای وی مثمر ثمر نبوده و او را به اهداف مورد نظرش رهنمون نمی سازد. چنین باوری بویژه در بین جوانان نتایج ناخوشایند و رخوت انگیزی را در پی دارد و در واقع چنین باور منفی گرایانه است که موجبات افزایش بیگانگی اجتماعی آنان می گردد.

- میان عدم فعالیت در گروه های فرهنگی و اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه مستقیم دیده شد، به عبارت دیگر هر چه فعالیت در گروههای اجتماعی بیشتر می گردد میزان بیگانگی اجتماعی کم می شود و بالعکس (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با $+0.208$ و (Sig2-tailed). برابر صفر بوده است). در توجیه این واقعیت باید گفت که بسط و توسعه حوزه اجتماعی و گسترش گروههای میانجی، می تواند فشارها و مشکلات افراد جامعه را به سمع مسئولین برساند که در آنصورت مسئولین نیز می توانند نسبت به ارائه راه کارهای مناسب و سیاست گزاریهای اثربخش تصمیمات لازم را اتخاذ نموده و به مرحله اجرا در آورند. افزون بر این هر چه افراد در گروههای غیر رسمی جامعه شرکت فعالتری داشته باشند نسبت به هنجارهای جامعه اهتمام بیشتری خواهند داشت .

- میان متغیر بی معنای اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه مستقیم دیده شد. بدین معنا که هر چه بیگانگی اجتماعی افزایش یابد، بر میزان بی معنایی هم افزوده می شود (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با $+0.279$ و (Sig2-tailed). برابر صفر بوده است).

- میان متغیر بی‌هنجاری اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه مستقیم دیده شد. بدین معنا که هر چه بیگانگی اجتماعی افزایش یابد، بر میزان بی‌هنجاری هم افزوده می‌شود (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با ۰.۴۵۵+ و (Sig2-tailed) برابر صفر بوده است).

- میان انزوای اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه مستقیم دیده شد. بدین معنا که هر چه بیگانگی اجتماعی افزایش یابد، بر میزان انزوای اجتماعی هم افزوده می‌شود (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با ۰.۳۶۳+ و (Sig2-tailed) برابر صفر بوده است).

- میان از خودبیزاری و بیگانگی اجتماعی رابطه مستقیم دیده شد. بدین معنا که هر چه بیگانگی اجتماعی افزایش یابد، بر میزان از خودبیزاری هم افزوده می‌شود (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با ۰.۴۰۷+ و (Sig2-tailed) برابر صفر بوده است).

- میان بی‌ملاحظاتی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه مستقیم دیده شد. بدین معنا که هر چه بیگانگی اجتماعی افزایش یابد، بر میزان بی‌ملاحظاتی اجتماعی هم افزوده می‌شود (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با ۰.۳۷۹+ و (Sig2-tailed) برابر صفر بوده است).

- میان احساس بی‌هویتی ملی و بیگانگی اجتماعی رابطه مستقیم دیده شد. بدین معنا که هر چه بیگانگی اجتماعی افزایش یابد، بر میزان بی‌هویتی ملی هم افزوده می‌شود (در این آزمون ضریب پیرسون برابر با ۰.۳۴۹+ و (Sig2-tailed) برابر صفر بوده است).^۱

- میان آزادی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار دیده نمی‌شود، ضریب پیرسون بین این دو متغیر برابر با ۰.۳۰۷- و (Sig2-tailed) برابر صفر می‌باشد با توجه به آنکه ضریب پیرسون کوچکتر از سطح معنا دار مفروض می‌باشد پس فرض H_1 تائید نمی‌گردد.

- ضعف ساختاری در موقعیت اجتماعی با متغیرهای سنجیده شده که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود:

* میان پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار دیده شد به این صورت که این دو متغیر یک رابطه مستقیم با هم دارند یعنی هر چه پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده بالا باشد میزان بیگانگی اجتماعی هم افزایش می‌یابد (ضریب پیرسون بین این دو متغیر برابر با ۰.۱۲۳+).

۴- در کل آزمون درجه اعتماد بودن ضریب مربوطه ۹۹٪ می‌باشد.

*میان پایبندی والدین به شعائر دینی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار دیده نشد، ضریب پیرسون بین این دو متغیر برابر با ۰.۱۷۹ - و (Sig2-tailed). برابر صفر می باشد با توجه به آنکه ضریب پیرسون کوچکتر از سطح معنا دار مفروض می باشد پس فرض H_1 تائید نمی گردد درجه اعتماد بودن ضریب مربوطه ۹۹٪ می باشد.

*میان پایبندی کنشگر به ارزش های مذهبی و بیگانگی اجتماعی رابطه مستقیم دیده شد (ضریب پیرسون بین این دو متغیر برابر با ۰.۲۵۸ و (Sig2-tailed). برابر صفر بوده است).

*میان دسترسی به وسایل و ابزار انتقال نظام ارزشهای بیگانه و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار دیده شد به این صورت که این دو متغیر یک رابطه مستقیم با هم دارند یعنی هر چه دسترسی به وسایل و ابزار انتقال نظام ارزشهای بیگانه بالا باشد میزان بیگانگی اجتماعی هم افزایش می یابد، ضریب پیرسون بین این دو متغیر برابر با ۰.۱۰۲ و (Sig2-tailed). برابر ۰.۰۴۳ می باشد با توجه به آنکه ضریب پیرسون بزرگتر از سطح معنا دار مفروض می باشد پس فرض H_1 تائید می گردد درجه اعتماد بودن ضریب مربوطه ۹۹٪ می باشد.

* میان پای بندی کنشگر به ارزشهای هنجاری و بیگانگی اجتماعی رابطه معنا دار دیده نشد به این، ضریب پیرسون بین این دو متغیر برابر با ۰.۰۱۸ و (Sig2-tailed). برابر ۰.۷۲۲ می باشد با توجه به آنکه ضریب پیرسون کوچکتر از سطح معنا دار مفروض می باشد پس فرض H_1 تائید نمی گردد درجه اعتماد بودن ضریب مربوطه ۹۹٪ می باشد.

تجزیه و تحلیل روابط متغیرها این نکته را نشان داد که تبیین پذیری ارزشهای مذهبی بیشتر از ارزشهای هنجاری است. یعنی تعلق به ارزشهای مذهبی بیش از تعلق به ارزشهای هنجاری بواسطه تغییرات موقعیتی تبیین می شوند.

داده های بدست آمده نشان می هد ضعف ساختاری در موقعیت اجتماعی منجر به بیگانگی اجتماعی می گردد.

در مجموع یافته هایی که از مطالعات این پژوهش بدست آمده است، نشانگر تطابق کم رنگ بخشی از افراد جامعه به نظام اجتماعی می باشد. این ضعف تعلق یا بیگانگی اجتماعی به دلیل ضعف ها و مسائلی است که در نظام اجتماعی وجود دارد. پس بیگانگی افراد در جامعه ما در بستر مسائل اجتماعی بوجود آمده است و این نگاه خوش بینانه می باشد اما اگر واقع بینانه نگاه ژرفی بیندازیم

می‌بینیم که پدیده بیگانگی با سرعت زیاد و فزاینده به سمت آنومی می‌رود. ما چه دغدغه جامعه را داشته باشیم و چه دغدغه نیازهای انسان امروز، باید در جهت حل مسائل اجتماعی کوشا باشیم. عدم تعادلی که بین ساخت اجتماعی و اهداف و ارزشهای فرهنگی وجود دارد نمی‌تواند ادامه یابد. تغییرات اجتماعی در جهت هماهنگی آنها روی خواهد داد. چنانچه بصورت عقلانی و عقلانی و انتخابی این تغییرات جهت داده نشوند، بطور طبیعی خود را بر ما تحمیل خواهند نمود. در این صورت پیش‌بینی می‌گردد اهداف فرهنگی و نظام ارزشی به نفع مقتضیات ساختی دگرگون خواهند شد، حتی اگر جامعه فشارهای مقطعی جهت حفظ نظام ارزشی داشته باشد. لازم به ذکر است وقتی جامعه در چنین شرایطی قرار می‌گیرد احتمال اجماع ارزشی موجود در بین عموم مردم کاهش یافته و عقیده جمعی در مورد ارزشها به سستی خواهد گرائید.

نتیجه حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیری

همانطور که در صفحات گذشته مشاهده گردید، بخش آماری پژوهش حاضر، از دو بخش توصیفی و استنباطی تشکیل شده است که بصورت تفصیلی از متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق انجام شده است. در پایان آمارهای استنباطی، به بخش رگرسیون چند متغیره می‌رسیم که از روش همزمان [۴۸] استفاده گردید، بهره‌گیری از رگرسیون، اهمیت زیادی در تحقیق پیمایشی دارد همانطور که کرلینجر تاکید کرده است بکارگیری رگرسیون چند متغیره در نمونه‌گیری‌های بزرگ مناسبتر و ضروری است.

جدول شماره (۴) نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای مورد بررسی

ردیف	متغیرها	B	Beta	سطح معنی‌داری ρ	R	R ²
۱	Y = بیگانگی اجتماعی	-	-	-	-	-
۲	Constant	۳.۶۱۹	-	۰/۰۴۴	۰/۵۰۲	۰/۶۵۳
۳	X _۱ پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده	۰/۱۵۳	۰/۰۵۱	۰/۰۰۳		
۴	X _۳ پای بندی کنشگر به ارزش های مذهبی	-۰/۰۰۳	-۰/۰۳۲	۰/۵۴۳		
۵	X _۴ فعالیت در گروههای فرهنگی و اجتماعی	-۰/۰۰۹	-۰/۰۷۷	۰/۱۰۸		
۶	X _۵ عدالت اجتماعی	-۰/۱۸۳	-۰/۱۷۸	۰/۰۰۱		
۷	X _۸ دسترسی به وسایل و ابزار انتقال نظام ارزشهای بیگانه	۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱		
۸	X _۹ رفتارهای ضد اجتماعی	۰/۱۶۵	۰/۱۳۹	۰/۰۱۱		

همچنین، توضیح این که در جدول فوق γ متغیر وابسته، Constant عدد ثابت، X ها متغیرهای مستقل، B ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد نشده، b)). ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده، و P سطح معنی داری هر متغیر مستقل در مدل است.

در توضیح و تفسیر جدول رگرسیون چند متغیره فوق، می توان نتیجه گرفت که متغیرهای مستقل تحقیق قادر به تبیین و تفسیر صحیح متغیر وابسته یعنی، بیگانگی اجتماعی می باشد

$$Y(\text{بیگانگی اجتماعی}) = 3.619 + X_1 0.153 - X_2 0.003 - X_3 0.009 - 0.183 X_5 + 0.0015 X_8 + 0.165 X_9$$

در تحلیل ضرایب بدست آمده، می توان گفت، معادله رگرسیون چندگانه و ضریب تأثیر آن نشان می دهد که با افزایش یک واحد در مقدار متغیر مستقل، چقدر و چه میزان، مقدار متغیر وابسته و یا بیگانگی اجتماعی تغییر می کند. به عبارت دیگر، اگر یک واحد در متغیر مستقل پایگاه اجتماعی و اقتصادی تغییر ایجاد گردد، بیگانگی اجتماعی به میزان ۰/۱۵۳ افزایش می یابد.

نتیجه گیری تجربی و نهایی پژوهش

یافته های تحقیق نشانگر عدم تعادل و عدم هماهنگی بین نظام ارزشی و ساخت اجتماعی می باشد. این موضوع باید به عنوان یکی از مسائل اجتماعی ایران مورد توجه جدی تری قرار گیرد. یافته های تحقیق عدم تعادل جدی را بین ساخت اجتماعی از یک سو و اهداف فرهنگی از سوی دیگر نشان می دهد. این عدم تعادل نمی تواند ادامه یابد. در نهایت، تغییرات اجتماعی در جهت هماهنگی آنها روی خواهد داد. چنانچه بصورت "اندیشیده" و انتخابی این تغییرات جهت داده نشوند، بطور طبیعی خود را بر ما تحمیل خواهند کرد. در این صورت، بر اساس شواهد موجود به نظر می رسد اهداف فرهنگی و نظام ارزشی به نفع مقتضیات ساختی دگرگون خواهند شد. که این خود منجر به کاهش اجماع ارزشی می گردد.

بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته نشان داد کسانی که از موقعیت نفوذپذیری از فرهنگ خارجی برخوردارند (مسافرت فردیا نزدیکان به خارج و استفاده از رسانه های خارجی)، و دارای خانواده های با تعلقات مذهبی کمتری هستند و با گروههای فرهنگی همکاری ندارند، تعلق ارزشی کمتری دارند. چنانچه بخواهیم این یافته ها را در جهت پیش بینی مورد استفاده قرار دهیم، می توان گفت:

- با کم شدن همکاری افراد با گروههای فرهنگی.
- با کم شدن پای بندی کنشگران به ارزش های مذهبی.

- با افزایش استفاده از رسانه های خارجی (ماهواره، اینترنت و.....).
- با افزایش ارتباطات افراد با فرهنگهای بیگانه.
- با افزایش بصیرت یا آگاهی اجتماعی.
- و در نهایت با افزایش نابرابری و بی عدالتی زمینه های رشد بیگانگی اجتماعی فراهم خواهد شد. بویژه آنکه در شرایط کنونی بی هنجاری و بیگانگی اجتماعی اثرات متقابلی برهم داشته و بیگانگی اجتماعی می تواند باعث تشدید بی هنجاری در جامعه گردد. و بنابراین انجام پژوهشهای بنیادی در این زمینه از ضروریات جامعه است.

پی نوشت ها

- | | |
|----------------------------------|------------------------|
| [1]Alienation | [6]Imposed |
| [2]Hegel | [7]Self chosen |
| [3]subjective | [8]Nisbet |
| [4] Anomie•Anomia | [9]Feuerlicht |
| [5]State of mind | [10]Friedenberg |
| [11]Goodman | [32]Powerlessness |
| [12]Cause | [33]Meaninglessness |
| [13]Effect | [34]Normlessness |
| [14]Max Weber | [35]Subjective- mental |
| [15]Ferdinand Tonnies | [36]Social Isolation |
| [16]Emile Durkheim | [37]Estrangement |
| [17]Anomie | [38]External |
| [18]Karl Mannheim | [39]Anomie |
| [19]Georg Simmel | [40]Social Problems |
| [20]Robert Merton | [41]Constraint |
| [21]C. write Mills | [42]Externality |
| [22]Psychological Anomie | [43]Generality |
| [23]Self Alienation | [46]Social anomie |
| [24]Reisman | [45]Normative disorder |
| [25]Identity crisis [26]Eriakson | [44]Social disorder |
| [27]Goodman | [45]Normative disorder |
| [28]Friedenberg | [46]Social anomie |
| [29]Autonomy | [47]-power lessness |
| [30]socialization | [48]Enter Method |
| [31]Superego•Fgo Id | |

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۲). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*. ترجمه باقر پرهام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،
- باستیل، دانیل (۱۳۷۵). "حقیقتا نایجاست". *پیام امروز* - شماره ۱۵

بیگانگی اجتماعی قشر جوان (مطالعه موردی جوانان شهر تهران)..... ۱۹۳

بعلی، فوئاد (۱۳۸۲). **جامعه-دولت و شهر نشینی تفکر جامعه شناختی ابن خلدون**. ترجمه غلام رضا جمشیدیها، تهران : دانشگاه تهران،

ببی، ارل (۱۳۸۳). **روشهای تحقیق در علوم اجتماعی**. ترجمه رضا فاضل، تهران : سمت،
پانوف، میشل (۱۳۶۸). **فرهنگ مردم شناسی**. ترجمه اصغر عسگری خانقاه. تهران : سروش،
پسی، آرنولد (۱۳۷۴). **فناوری و فرهنگ**. ترجمه: بهرام شالکویی. تهران: نشر مرکز،
توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). **مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). **نظریه های جامعه شناسی**. تهران: انتشارات سمت،
چلیبی، مسعود (۱۳۸۲). **جامعه شناسی نظم**. تهران: نشر نی،
چلیبی، مسعود (۱۳۷۳). "تحلیل شبکه در جامعه شناسی". **فصلنامه علوم اجتماعی**. دوره دوم. شماره ۵، ۶ دانشگاه علامه
چلیبی، مسعود (۱۳۸۵). **تحلیل اجتماعی در فضای کنش**. تهران: نشر نی،
حاجی یوسفی، امیرمحمد- جزوه ی درسی تئوری های انقلاب - دانشکده علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
خبرگزاری مهر، ۸۵/۳/۲۶

درویشی، مهدی (۱۳۸۳). **بازشناسی دینی**. تهران، فراندیش،
ربانی، رسول (۱۳۸۳). **جامعه شناسی جوانان**. تهران، انتشارات آوای نور،
ریبی، علی (۱۳۷۸). -اژیر- پیام امروز- شماره ۳۷
رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). "تغییر ارزش ها در آینه سینما و مطبوعات" **نامه پژوهش**، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۵ سال
روزنامه قدس، شنبه ۱۸ تیر ماه ۱۳۸۴
روشه، گی (۱۳۸۳). **تغییرات اجتماعی**. ترجمه : منصور وثوقی. تهران: نشر نی،
ریتزر، جرج (۱۳۸۲). **نظریه های جامعه شناسی دوران معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی. تهران:
ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). **روشهای تحقیق در علوم اجتماعی**. تهران: انتشارات سمت،
سرایبی، حسن (۱۳۸۲). **مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق**. تهران: انتشارات سمت،
سیف زاده، حسین (۱۳۷۷). **مفاهیم همدلانه تمدن و مطالعه همه گانه فرهنگی**، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب
اسلامی

شاف، آدام (۱۳۶۹). **جهان به کجا می رود؟**. ترجمه فریدون نوایی، تهران: نشر آگاه،
شرفی، محمد رضا (۱۳۸۰). **جوان و بحران هویت**. تهران: سروش،
شفرز، برنهارد (۱۳۸۳). **مبانی جامعه شناسی جوانان**. ترجمه کرامت .. راسخ. تهران: نشر نی،
شیخاوندی، داور (۱۳۸۴). **جامعه شناسی انحرافات و مسائل جامعی ایران**. تهران: نشر قطره،
صدیق اورعی، غلام رضا (۱۳۸۲). **بررسی ساختار نظام اجتماعی در اسلام**. تهران: اداره کل پژوهش های سیما
جمهوری اسلامی ایران،

طالبی، ابوتراب (۱۳۷۲). "پایانه نامه بیگانگی اجتماعی به همراه بررسی تعلقات ارزشی دانش آموزان سال سوم و چهارم شهر تهران"، دانشگاه تربیت مدرس.

غفاری، غلامرضا و دهقان، علیرضا (۱۳۸۴). "تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران". **مجله جامعه شناسی ایران** شماره ۱

قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۸۲). **تکنیکهای خاص تحقیق** - تهران: نشر پیام نور،

قبادزاده، ناصر (۱۳۸۱). **روایتی آسیب شناختی از گسست نظام و مردم در دهه دوم انقلاب**. تهران: نشر گلبان،

کونن، بروس (۱۳۸۳). **مبانی جامعه شناسی**. مترجمان: غلامعباس توسلی، رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت،

کاتوزیان، همایون (۱۳۸۴). **تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران**. تهران: نشر نی،

کلاین، پل (۱۳۸۰). **راهنمای آسان تحلیل عاملی**. ترجمه سید جلال صدر السادات و اصغر مینایی. تهران: سمت،

کلایمروری (۱۳۵۶). **آشنایی با علم سیاست**، ج ۱، ترجمه بهرام ملکوتی، تهران: انتشارات سیمرخ،

گرانپایه، بهروز (۱۳۷۷). **فرهنگ و جامعه**. تهران: نشر شریف،

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). **جامعه شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی،

گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱). **بخش مستقیم ماهواره در قرن بیست و یکم**. تهران: سروش،

و ثوقی، نیک خلق (۱۳۷۹). **مبانی جامعه شناسی**. تهران: انتشارات بهینه،

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). "بیگانگی". **نامه علوم اجتماعی** شماره ۲

محمودی، علی (۱۳۸۳). **فلسفه سیاسی کانت اندیشه سیاسی در گستره فلسفه نظری و فلسفه اخلاق**. تهران: نشر نگاه معاصر،

نوروسیس، ماریجا (۱۳۸۳). **Spss**. مترجمان: اکبر فتوحی - فریبا اصغری. تهران: کانون نشر علوم.

Archer, Margaret (1992). **Culture and Agency: The Place of Culture in social Theory**. Cambridge: Cambridge University Press.

Blau, P.M. (1964). **Exchange and Power in social Life**. New York: Wiley.

C. Lichtheim. Alienation. In D. Sills (Ed). **International Encyclopedia of social science**. N.Y (1968). PP. 264-8.

C. Write Mills. **The causes of world war III**. New York. (1958). p. 171

Craib, Jan (1992). **Modern Social Throrly: From Parsons to Habermas**. New York: Harvester.

Durkheim, E. 1979 (1912). **The Elementary Forms of Religious Life**. London: Allen and Unwin

Elster, Jon. (1990). **The Cement of society: A study of social order**. Cambridge: Cambridge University Press

- Harris.Marvin(1980).**Cultural Materialism:the Struggle for a Science of Culture.**
New York: Vintage Books.
- Lukes.steven(1977).**Emile Durkheim: His Life and Work.** Middlesex :Penguin
- Markfka.M.(1967).**Jugend.Begriffe und Formen in Soziologischer Sicht.**Neuwied.
- Merton.R(1968).”Adult Roles and Responsibilities.In N.S.Smelser(Ed).Personality
and social systems” N.Y.
- Munch.Richard.1988.Understanding Modernity.London: Rout ledge.
- Olsen.Marvin E(1991). Societal Dynamics: Exploring Macro sociology. New Jersey:
Prentice Hall.
- Sztomka.Piotr(1974).**system and function.**New York:Academic press
- Weber.M(1946).**Essays in sociology.**N.Y.–
- Williams.Raymond.(1977).**Marxism and Literature.**Oxford: Oxford University
Press.